

معیشت جایگزین: بهره‌گیری خردمندانه از کالاهای و خدمات تالاب

نسترن موسوی، علی ارواحی

۱. نسترن موسوی، مشاور اجتماعی-اقتصادی، معیشت جایگزین و جامعه‌ی محلی «طرح حفاظت از تالاب‌های ایران»،

nastaran@cenesta.org

۲. علی ارواحی، کارشناس فنی «طرح حفاظت از تالاب‌های ایران»، کارشناسی ارشد آبیاری و زهکشی، دانشگاه بوعلی سینا

ali_arvahi@yahoo.com

چکیده

بهره‌برداری خردمندانه از منابع طبیعی ایجاب می‌کند تا روستاییان ساکن در پیرامون تالاب‌ها تشویق شوند به راه‌های دیگری به جز کشاورزی برای گذران زندگی رو بیاورند. در موقعیت‌های خطیر، گاه روستاییان به درآمد حاصل از فعالیت‌های اقتصادی دیگر تکیه می‌کنند یا ناگزیر با بهره‌برداری بیش از اندازه از منابع آبی تعادل زیست-بومی موجود را به هم می‌زنند. هنگامی که روستاییان خود در یافتن مشاغل درآمدزای جایگزین توفیق نمی‌یابند، معرفی الگوهای مناسب معیشت جایگزین هر چه ضروری‌تری می‌نماید. با این همه، اگر این الگوها از «بالا» و به شکل دستوری ابلاغ گردد با مقاومت‌های مردم روستا روبه‌رو می‌شود. از این رو، ضرورت دارد که روستاییان نه تنها در فرآیند ارزیابی‌های زیست‌محیطی از منطقه‌ی مورد سکونت خود بلکه در فرآیندهای تصمیم‌گیری درباره‌ی سازگاری شرایط کار و زندگی‌شان با مقتضیات زیست‌بومی درگیر شوند. چنین فرآیندی در به کارگیری چارچوبی زیر عنوان «رویکرد زیست‌بومی» جنبه‌ی عملی‌تر به خود می‌گیرد. در این رویکرد مردم جزء اصلی زیست‌بوم‌ها شمرده می‌شوند. «طرح حفاظت از تالاب‌های ایران»، با در نظر داشتن نقش و جایگاه جوامع روستایی در حفاظت از منابع طبیعی، کوشیده است به نوبه‌ی خود به موضوع معیشت جایگزین بپردازد و زمینه‌ی برای مشارکت جوامع محلی و توانمندی آنان فراهم آورد. در این میان به زنان روستایی نیز توجه ویژه شده است زیرا حضور آنان در فرآیند یافتن و به کارگیری الگوی معیشت جایگزین در بسیاری از کشورهای در حال توسعه متضمن پایداری این گونه الگوهای معیشتی بوده است. در صورت یافتن امکان مشارکت، زنان روستایی توانسته‌اند به مدد ابتکارهایی که در زمینه‌ی درآمدزایی به خرج داده‌اند نه تنها زمینه‌ی حفاظت از تالاب‌های پیرامون روستایشان را استحکام بخشند بلکه سهمی به سزا در کسب درآمد خانوار نیز به دست آورند. مقاله‌ی حاضر، با شرح جزئیات این فرآیند به دستاوردها و چالش‌های مربوط اشاره می‌کند.

واژه‌های کلیدی: معیشت جایگزین، مدیریت زیست‌بومی، زنان روستایی، دریاچه اورمیه، تالاب شادگان، تالاب پریشان

درآمد

ایران سرزمین پهناوری است با شمار بسیاری تالاب که هر کدام ویژگی خود را دارند. برخی دریاچه‌های کوچکی اند در ارتفاعات و برخی مانند دریاچه اورمیه گستردگی چشم‌گیری دارند. در این میان تالاب‌هایی هم یافت می‌شوند که در ارتفاع اندکی از سطح دریا قرار دارند یا آن که در نزدیکی ساحل اند. از دیرباز تالاب‌ها سکونت‌گاه جانوران به ویژه پرندگان مهاجر شمرده می‌شوند. از این رو، بسیاری از تالاب‌های ایران در زمره منطقه‌های محافظت شده قرار گرفته‌اند و بیش از بیست تای آن‌ها به سبب ثبت در سایت‌های رامسر از اهمیت بین‌المللی نیز برخوردار اند. اما مردم پیرامون تالاب دیدگاهی متفاوتی نسبت به این قضیه دارند. برای این روستاییان تالاب در حکم وسیله اصلی برای گذران زندگی‌شان است. برای نمونه، از راه ماهیگیری هم تامین غذایشان را می‌کنند و هم با فروش صیدشان درآمدی به دست می‌آورند. از گیاهانی که در پیرامون تالاب می‌روید نیز به شکل‌های گوناگون بهره می‌گیرند. وانگهی گاه برای رفت‌وآمد نیز متکی به تالاب اند. طبیعی است که به همین دلیل‌ها از دیرباز برای خود نسبت به تالاب حق و حقوقی قائل اند. از سوی دیگر، بخش‌های کشاورزی و صنعت نیز به تالاب به چشم منبع مهمی می‌نگرند، به این معنا که وقتی لازم بدانند از آب آن استفاده کنند یا برای افزودن به زمین‌های مورد نظرشان آب تالاب را می‌کشند و گاه آن را می‌خشکانند. از سوی دیگر، کسانی که مسئولیت حفاظت از محیط زیست را دارند نیز به موضوع بهره‌برداری از تالاب‌ها توجه نشان می‌دهند. برخی مانند کشاورزان و ماهیگیران از ارتباط میان موجودات زنده پیرامون خود درکی تجربی و غریزی دارند. حال آن که دانشمندان و پژوهش‌گران به یمن دانسته‌ها و تحقیقات خود به خوبی می‌دانند که بقای یک گونه تا چه اندازه به وجود سلسله کاملی از گیاهان و جانوران دیگر و نیز، به ویژه، به پایداری شرایط فیزیکی و بیوفیزیکی بستگی دارد. با این همه، گاه می‌بینیم کسانی درک ارتباط میان این عناصر به هم پیوسته را دشوار می‌یابند.

شاید بتوان یکی از مهم‌ترین سندهایی را که توانست بر پایه‌ی این درهم‌تنیدگی زیست‌بومی ملاحظاتی را در عرف و قانون بین‌الملل بگنجاند، «پیمان‌نامه‌ی تنوع زیستی» دانست. این پیمان‌نامه برای نخستین بار حفاظت از تنوع زیستی را «منفعت مشترک همه‌ی انبای بشر» شمرد، رعایت اصول آن را در خصوص همه‌ی ارکان زیست‌بوم‌ها جاری اعلام کرد، و بر مفهومی زیر عنوان «توسعه‌ی پایدار» تاکید ورزید. با در نظر گرفتن روح حاکم بر این پیمان‌نامه و نیز مفاد «پیمان‌نامه‌ی رامسر» است که «طرح حفاظت از تالاب‌های ایران» کوشید به ضرورتی مبرم پاسخ گوید که همانا کمک به فراهم آوردن شرایطی بود که بتوان منطقه‌های تالابی را احیا و حفظ کرد. از همان نخستین سال‌هایی که مطالعات اولیه‌ی برای طراحی این برنامه انجام می‌شد، یعنی حدود یک دهه پیش، فرض بر آن بود که دیدگاه‌های سنتی مربوط به اداره‌ی مناطق حفاظت شده، و به طور کلی حفاظت از محیط زیست، دیگر کارساز نیست و می‌بایست کوشید تا میان دو مفهوم به ظاهر متناقض حفاظت و توسعه رابطه‌ی معقول برقرار ساخت. بنابراین، «طرح حفاظت از تالاب‌های ایران» برای تحقق هدف‌های خود «رویکرد زیست‌بومی» را به کارگرفت تا بتواند با ارائه‌ی الگوی نظام مدیریت تلفیقی از تهدیدهای عمده‌ی که متوجه‌ی تنوع زیستی در منطقه‌های حفاظت شده‌ی تالابی است، بکاهد. در این رویکرد، مردم جزء اصلی بسیاری از زیست‌بوم‌ها هستند و مانند دیگر گونه‌ها برای بقای خود وابسته به فرآورده‌هایی اند که زیست‌بوم‌ها در اختیارشان قرار می‌دهد. با قرار دادن مردم در مرکز زیست‌بوم‌ها، به ناچار می‌بایست در روش‌های مرسوم حفاظت بازبینی کرد و کوشید تا با تعیین و تدوین راهبردهای مناسب پاسخ‌گوی معیشت و نیازهای مردم بود؛ راهبردهایی که منفعتهای اجتماعی مرتبط با بهره‌گیری پایدار از فرآورده‌های تالابی را تامین می‌کند. از این جاست که از همان ابتدا پرداختن به موضوع «معیشت جایگزین» ضرورت یافت.

جنبه‌ی مفهومی رویکردهای معیشتی

به دست آوردن درک روشن و و مشترک از جنبه‌های مفهومی رویکردهای معیشتی از ضروری‌ترین امور در طراحی و پرداخت یک برنامه اجرایی است. بی‌شک مشخص بودن چارچوب‌های بنیادین هر فرآیند اجرایی به مدیران، دست‌اندرکاران و کارشناسان مربوط کمک می‌کند تا همه از هدف‌های تعیین شده، روش‌ها و مسیرهای مورد نظر کمابیش یک‌سان برداشت کنند. البته همواره چنین کوشش‌هایی به سادگی موضوع را روشن و واضح نمی‌نمایانند. در چند دهه‌ی گذشته برای «معیشت جایگزین» تعریف‌هایی به دست داده شده است، از جمله آن که گفته‌اند این نامی بوده است که در ابتدا به آن دسته از کوشش دولت‌ها، به ویژه در آمریکای جنوبی، داده‌اند که هدف آن‌ها جایگزین کردن کشت‌هایی غیرقانونی (مانند تریاک یا کاکائو) با

محصولات مجاز یا فعالیت‌های دیگر درآمدزایی است.^۱ هم اکنون از این عنوان در برنامه‌های تبدیل کشت خشخاش در افغانستان با محصولات دیگر کشاورزی به وفور نام برده می‌شود.^۲ در همین مدت این مفهوم وارد عرصه‌ی حفاظت از طبیعت نیز می‌شود و به طور کلی توصیه می‌شود که برای حفظ منابع طبیعی می‌توان به برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های «معیشت جایگزین» دست زد. اکنون می‌خواهیم میان سه مفهومی که به نوعی با هم پیوند دارند تا حد امکان تمایز قایل شویم ولی پیش از آن با نقل از رابرت چمبرز تعریفی از «معیشت» به دست می‌دهیم تا سپس به موضوع پایداری و جایگزینی آن بپردازیم:

در قرن بیست و یکم شاید بیش از دو تا سه برابر جمعیت فعلی جهان ناگزیر از امرار معاش اند. معیشت در برگیرنده‌ی مردم، توانایی‌ها و ابزار زندگی‌شان - یعنی غذا، درآمد، و سرمایه‌های مادی و اجتماعی - است. در این میان، منابع و ذخیره‌های انسانی سرمایه‌های ملموس و دیدنی اند و حق دسترسی و خواسته‌های قانونی از زمره‌ی سرمایه‌های ناملموس و نادیدنی اند.^۳

چمبرز نخستین کسی نبود که این مفهوم را به کار می‌برد، ولی اهمیت این نقل در آن است که به این ترتیب مفهوم معیشت بر پایه‌ی پژوهش‌ها و فعالیت‌های میدانی کسانی مانند وی در سال‌های منتهی به ۱۹۹۱ میلادی شکافته شد تا بعدها سیاست‌گزاران در کشورهای گوناگون استدلال‌های مشابهی را مبنای ایجاد و گسترش بسیاری از چارچوب‌های اجرایی قرار دهند. به هر رو، پیشینه‌ی به کارگیری گسترده‌تر این واژه در ادبیات توسعه به دهه‌ی ۱۹۷۰ میلادی برمی‌گردد، زمانی که نیاز بود در برابر اصطلاح‌ها و مفهوم‌های رایج در عرصه‌ی رشد و توسعه‌ی شهری و صنعتی به جنبه‌هایی از فعالیت‌های اقتصادی گوناگون اشاره شود که خاص روستاییان فقیر و کشاورزان است. با این همه، چندین سال طول کشید تا شماری از سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی از این عبارت برای توضیح سیاست‌های فقرزدایانه‌ی خود بهره بگیرند. برنامه‌ی عمران سال ملل متحد (UNDP) نیز در سال ۱۹۹۳ هم‌آواز با دیگر نهادهای بین‌المللی از این اصطلاح بهره جست تا پاره‌یی از اقدام‌های خود را با موازین و اصول مبتنی «چارچوب‌های معیشتی» سازگار کند.^۴ در دهه‌های بعدی، این فرآیند چندان پیش رفت که هم اکنون کارشناسان، سیاست‌گزاران و مجریان بسیاری به اصول برآمده از این نگرش خود را پابند می‌دانند. این اصول^۵ عبارت اند از:

- مردم محوری: تاکید بر اولویت‌های مردم تهی‌دست، درک تفاوت‌های میان گروه‌های اجتماعی گوناگون و به کارگیری راهبردهای مناسب وضعیت و مقتضیات هر یک؛
- مشارکتی و پاسخ‌گویانه: به گوش گرفتن و پاسخ دادن به اولویت‌هایی که مردم تهی‌دست خود مطرح کرده‌اند؛
- چند وجهی: کارکردن در سطوح مختلف برای کاهش فقر، تضمین بازتاب واقعیت‌های خرد در فرآیندهای سیاست‌گذاری و ایجاد شرایطی مساعد در ساختارهای کلان برای پشتیبانی از توان‌افزایی مردم؛
- شراکتی: همکاری میان بخش دولتی و خصوصی؛
- پایداری: ایجاد توازن میان پایداری اقتصادی، نهادی، اجتماعی و زیست‌محیطی؛
- پویایی: اذعان به ماهیت پویای راهبردهای معیشتی و پاسخ‌گویی همراه با انعطاف به موقعیت‌های دگرگون شونده‌ی مردم.

آن چه در این میان بیش از پیش قوت می‌گرفت بسط و گسترش مفهوم «سرمایه»های انسانی، اجتماعی، طبیعی، فیزیکی و مالی در عرصه‌ی رشد و توسعه بود. به دلیل آن که رویکرد معیشتی بیش از هر چیز توجه خود را معطوف به مردم می‌داند، بر آن است که هر گونه توانایی را شناسایی کند و بکوشد آن توانایی‌ها را برای امرار معاش مردم به کار گیرد. گفته می‌شود که اطلاق لفظ «سرمایه» در این خصوص با نوعی اغماض صورت گرفته است تا بتوان این توانایی‌ها را دسته‌بندی

¹ http://en.wikipedia.org/wiki/Alternative_Livelihood

² <http://www.unodc.org/afghanistan/en/alternative-livelihoods.html>

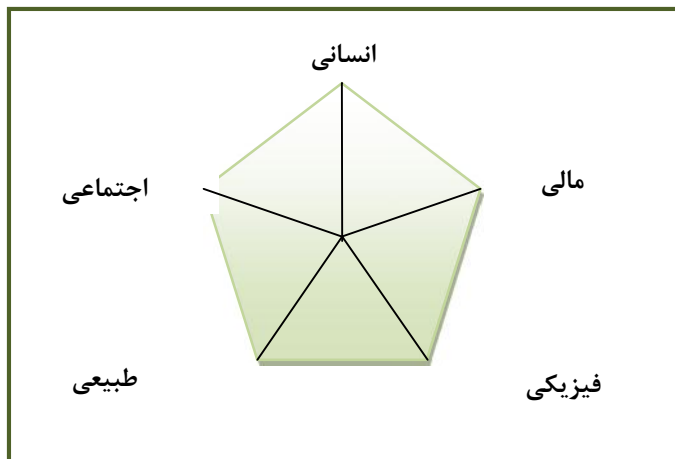
³ Robert Chamber and Godon R. Conway, *Sustainable Rural Livelihoods: Practical Concepts for the 21 Century*, IDS Discussion Paper 296, Brighton, UK, 1991, p. i.

⁴ <http://www.eldis.org/go/topics/dossiers/livelihoods-connect/what-are-livelihoods-approaches/evolution>

⁵ <http://www.eldis.org/go/topics/dossiers/livelihoods-connect/what-are-livelihoods-approaches/livelihood-principles>

کرد. شکل زیر، موسوم به «پنج ضلعی سرمایه»، به وفور در نوشتارگان مربوط به توسعه، به طور کلی، و موضوع‌های مربوط به آسیب‌پذیری، به طور ویژه، به کار می‌رود که بسته به نتایج حاصل از ارزیابی میزان «سرمایه»ها، ترکیب شکلی آن در هر موقعیت متفاوت خواهد بود.^۶

شکل ۱- «سرمایه»های پنج‌گانه



خطی که از مرکز به هر راس کشیده می‌شود نشان‌گر میزان آن «سرمایه»بی است که در کناره‌ی شکل آمده است. پس هر چه خط درازتر باشد، اجتماع یا گروه اجتماعی مورد نظر از میزان بیش‌تری از امتیاز و امکانات برخوردار است. در شکل بالا برخورداری از امکانات و امتیازها کمابیش برابر نشان داده شده است. به هر رو، فرض بر این است که هر چه سرمایه‌های پنج‌گانه بیش‌تر باشد، گزینه‌های بیش‌تری برای رویارویی با مشکلات و محفوظ نگه داشتن سطح معیشت وجود دارد. البته موضوع دسترسی به این سرمایه‌ها اهمیت بسیاری دارد. در عمل اثبات شده است که رها شدن از چرخه‌ی فقر بستگی تام و تمام دارد به میزان دسترسی گروه‌های اجتماعی کم‌درآمد به این سرمایه‌ها.

با در نظر گرفتن توضیحات بالا، اکنون در می‌یابیم که چرا چمبرز نیز در تعریف خود از معیشت پایدار چنین می‌نویسد:

به لحاظ زیست‌محیطی، معیشتی پایدار شمرده می‌شود که بتواند آن دسته از سرمایه‌های محلی و جهانی را که معیشت بدان‌ها وابسته است حفظ کند و گسترش دهد. در عین حال که معیشتی که به لحاظ اجتماعی پایدار باشد می‌بایست بتواند با فشارها در شرایط خطیر رویارویی کند و دوام بیاورد و قادر باشد نیاز نسل‌های آتی را نیز تامین کند.^۷

گاه دیده شده است که طرح‌ها و برنامه‌های در دست اجرا میان مفاهیمی مانند «معیشت جایگزین»، «معیشت پایدار» و «معیشت مکمل» تمایز چندان بارزی قائل نشده‌اند و حتی اگر در سندها و نوشته‌های گوناگون ابتدا خود را مقید به یک چارچوب دانسته‌اند در ادامه کار، به فرآیند طی شده را نام دیگری داده‌اند. این حالت، به ویژه در گزارش فعالیت‌هایی به چشم می‌خورد که هدف اصلی را جایگزین کردن یک نوع معیشت با معیشت دیگری اعلام کرده‌اند اما در میانه‌ی راه متوجه شده‌اند که عملاً تنوع معیشتی یا گاه «معیشت مکمل» پدید آورده‌اند. با این همه، کوشش برای معرفی الگوهای معیشت جایگزین در این دوران اخیر به عرصه‌ی حفاظت از منابع طبیعی نیز کشیده شده است و هم اکنون مجموعه‌یی از تجربه‌های جهانی در این خصوص به ویژه در پارک‌ها و مناطق حفاظت شده در سراسر جهان گرد آمده است. این تجربه‌ها عموماً بر پایه‌ی برنامه‌یی استوار است که در مرحله‌یی از فعالیت‌های خود با تامین مشوق‌هایی به ساکنان منطقه‌های مورد نظر امکان می‌دهد تا از مشاغلی که به لحاظ اقتصادی و زیست‌محیطی ناپایدار اند دست کشیده به مشاغلی که هم خود پایدارتر اند و هم پایداری زیست‌محیطی را به هم نمی‌زنند، رو بیاورند. قدر مسلم میزان مشوق‌ها می‌بایست چندان دقیق محاسبه شوند و چنان برنامه‌مند در اختیار مردم محلی قرار گیرد که بتواند ضرر و زیان حاصل از اعمال محدودیت بر کسب‌وکار مرسوم آن‌ها را جبران

^۶ Sustainable Livelihoods Guidance Sheets, Department of International Development, London: DFID, 1999.

^۷ Chambers, p. i.

کند. در راه‌اندازی معیشت‌های جایگزین، تاکید عمده بر مهارت‌ها و منابع محلی و نیز دانش بومی است. از این رو آن دسته از برنامه‌ها موفق‌تر اند که هم شناسایی و ارزیابی دقیقی از این توانایی‌ها داشته‌اند و هم توانسته‌اند مشارکت اجتماعات محلی را جلب کنند. از سوی دیگر، اگر منطقه‌های مورد نظر فقرزده باشد، بی‌شک می‌بایست میان فرآیند فقرزدایی و حفاظت از طبیعت پیوندی قائل شد. به هر رو، تضمین موفقیت طرح‌های «معیشت جایگزین» عبارت‌اند از:

- انعطاف‌پذیری: همه‌ی الگوهای معیشت جایگزین نمی‌توانند به طور یکسان در همه جا جاری شوند؛
 - پیچیدگی: ایجاد معیشت جایگزین به سادگی صورت نمی‌پذیرد و نیاز به همکاری و مشارکت همگانی دارد؛
 - هدف‌گذاری مناسب: تشخیص آن که گروه هدف برنامه‌های مربوط به معیشت جایگزین کدام دسته از مردم‌اند، بسیار اهمیت دارد و از این بابت در اختیار گذاشتن مشوق‌ها و نیز اعمال محدودیت‌ها می‌بایست با دقت بسیار انجام شود؛
 - تنوع معیشتی: برنامه‌های مربوط به معیشت جایگزین می‌بایست برای تقویت امنیت شغلی گروه هدف خود فعالیت‌هایی را سر بیندازد که به کسب درآمد از راه‌های گوناگون بیانجامد و تنها بر یک الگوی معیشت خانوار متکی نباشد؛
 - کاربری پایدار از منابع طبیعی: با آن که مقصود اصلی از ایجاد معیشت‌های جایگزین کمک به حفاظت از منابع طبیعی است، اما سنجش موفقیت در این زمینه دشوار است. از این رو در طراحی برنامه می‌بایست تاثیر زیست-محیطی ناشی از گذار از مشاغل جاری به انواع دیگر ارزیابی شود؛
 - تفاهم و درک متقابل: در اجرای برنامه‌های معیشت جایگزین در منطقه‌های حفاظت شده اصل مهم جلب اعتماد مردم محلی است زیرا گاه حتی کارشناسان و دست‌اندرکاران دستگاه‌های دولتی در سطح محلی نیز به دانشمندان و پژوهش‌گران حوزه‌ی حفاظت از طبیعت و آموزه‌شان به دیده‌ی شک و تردید می‌نگرند؛
 - آموزش و میانجی‌گری بخش غیر دولتی: پشتیبانی و همکاری گروه‌هایی که می‌توانند اجتماعات محلی را در خصوص مسائل زیست‌محیطی آموزش دهند یا آن که بخش خصوصی را با موضوع پایداری اقتصادی و زیست-محیطی آشنا کنند، در موفقیت طرح‌های معیشت جایگزین اهمیت به سزایی دارد؛
 - فرآیند مداری: برنامه‌های معیشت جایگزین قادر نیستند به طرفه‌العینی مشکلات اقتصادی مردم را حل کنند. از این رو، موفقیت این برنامه‌ها مستلزم صرف وقت و همراه شدن با راهبردهای زیست‌محیطی دیگر است.⁸
- در خلال جست‌وجو برای به دست دادن تعریف‌های مرسوم از معیشت پایدار، جایگزین و مکمل با اصطلاحی دیگر نیز روبه‌رو هستیم که عمدتاً در عرصه‌ی توسعه‌ی روستایی و توسعه‌ی کشاورزی به کار می‌رود و به نام «فعالیت‌های غیر کشاورزی روستایی»⁹ شهرت دارد. «در سال‌های آغازین دهه‌ی ۱۹۸۰ میلادی پژوهش‌های بسیاری صورت گرفت که بر اهمیت درآمد حاصل از کار خانوارهای روستایی در خارج از روستا یا در روستا ولی بیرون از مزرعه، خواه در کشورهای صنعتی یا توسعه-نیافته، تاکید می‌ورزید.»¹⁰ مراد از این پژوهش‌ها عمدتاً آن بود که سهم درآمد خانوار روستایی از فعالیت‌های اقتصادی گوناگون‌اش تعیین شود تا بسته به نتیجه‌های به دست آمده بتوان با سیاست‌گذاری‌های مناسب بیکاری در روستا را کاهش داد و زمینه‌های تقویت بنیه‌ی اقتصادی روستاییان را هر چه بیش‌تر فراهم کرد. نقطه‌ی مشترک این دست از پژوهش‌ها و اقدامات مبتنی بر آن با مباحث مربوط به الگوی معیشت جایگزین برای حفاظت از منابع طبیعی و تضمین تداوم تنوع‌زیستی در آن است که هر چه شناسایی از منبع درآمدهای خانوارهای روستایی دقیق‌تر صورت گیرد امکان معرفی الگوهای موفق جایگزین بیش‌تر می‌شود. از این رو، خط مشترکی چنین پژوهش‌هایی را به هم پیوند می‌دهد.

⁸ Margaret R. Burks, *Linking Livelihoods and Sustainable Tourism for Parks and People in Belize*, Falls Church, Virginia, 2006. (http://nr.ncr.vt.edu/major_papers/Margaret_Burks.pdf)

⁹ Rural Non-farm (RNF) Activities

¹⁰ J. P. Leones and S. Feldman *Economic Development and Cultural Change*, Vol. 46, No. 4 (July 1998), pp. 789.

پیشینه‌ی الگوهای «معیشیت جایگزین» در ایران

با در نظر گرفتن تاریخچه‌ی عضویت ایران در بسیاری از پیمان‌نامه‌های بین‌المللی، راه یافتن مفاهیمی مانند «توسعه‌ی پایدار»، «کشاورزی پایدار»، «معیشیت پایدار» و مانند آن در نوشتارگان توسعه عجیب نمی‌نماید. گذشته از پیمان‌نامه تنوع زیستی که ایران از سال ۱۳۷۵ شمسی به آن پیوسته است، پیمان‌نامه‌های دیگری نیز راهکار معیشیت جایگزین را مناسب می‌دانند، مانند پیمان‌نامه‌ی مقابله با بیابان‌زایی که بر راه‌اندازی طرح‌های معیشیت جایگزین به عنوان منبع درآمدزایی برای ساکنان منطقه‌های در معرض خشک‌سالی تأکید ورزیده است. از این رو، در بند ۳ از اصل سوم «برنامه‌ی اقدام ملی» آمده است می‌بایست «از معیشیت پایدار در مناطق مبتلا به و معیشیت‌های جایگزین از طریق افزایش درآمدها، اشتغال‌زایی و بهبود استانداردهای اقتصادی و اجتماعی» پشتیبانی کرد. با این همه، میان نشر و گسترش فکری نو با به کارگیری این آرا و اندیشه‌ها در عرصه‌ی عمل فاصله‌ی وجود دارد. اکنون، با گذشت بیش از دو دهه از زمان پیوستن به شماری از پیمان‌نامه‌ها می‌توان به نمونه‌هایی دست یافت که در عرصه‌ی حفاظت از منابع طبیعی از چارچوب‌های معیشیتی، به ویژه، معیشیت جایگزین بهره گرفته‌اند. آن چه در زیر می‌آید، در برگرفته‌ی همه‌ی طرح‌ها و برنامه‌هایی نیست که از رویکرد معیشیت جایگزین استفاده کرده‌اند، اما پرداختن به پاره‌ی جزئیات می‌تواند بستری را نشان دهد که «طرح حفاظت از تالاب‌های ایران» در آن شکل گرفت و کوشید به نوبه‌ی خود در این عرصه سهمی ادا کند.

عمده‌ی این نمونه‌ها از زمره‌ی طرح‌ها و برنامه‌های مشترک سازمان‌ها و وزارت‌خانه‌های مرتبط است با نمایندگی‌های سازمان ملل متحد و گاه «تسهیلات جهانی محیط زیست (GEF)». برخی از آن‌ها، مانند «پروژه حفاظت از تنوع زیستی در سیمای حفاظتی زاگرس مرکزی» تدوین سیاست معیشیت‌های جایگزین را از مهم‌ترین اقدام‌های خود می‌شمارند. طرح دیگری نیز با عنوان «احیای اراضی جنگلی و تخریب شده با تأکید ویژه بر اراضی حساس به فرسایش بادی و خاک‌های شور» در استان کرمان و خراسان جنوبی از سال ۱۳۹۰ آغاز شد که بیش از هر چیز بر حفاظت جنگل‌ها و توسعه‌ی پایدار برای بهره‌مندی نسل‌های آینده از این زیست‌بوم‌ها تأکید دارد و می‌کوشد تا با جایگزین کردن منابع دیگری برای گذران زندگی از تغییر کاربری منطقه‌ی جنگلی و شکار بی‌رویه جلوگیری کند. سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، علاوه بر همکاری در طرح یاد شده، پیش از این در «طرح مدل مدیریتی جنگل‌های خزری» کوشیده بود با راه‌اندازی معیشیت‌های جایگزین از وابستگی ساکنان منطقه به جنگل بکاهد. در ضمن، همین سازمان در چندین برنامه‌ی در دست اجرای خود از جمله «پروژه تقویت و انسجام سازمانی برای مدیریت یکپارچه منابع طبیعی (منارید)»، «طرح مدیریت پایدار منابع آب و خاک» و «پروژه بین‌المللی ترسیب کربن» هم‌چنان در صدد است تا با «ارتقای معیشیت جایگزین» و «ظرفیت‌سازی برای تنوع‌بخشی به معیشیت پایدار» آن وابستگی را کاهش دهد.^{۱۲} در دو طرح آخر، زنان روستایی با موفقیت بیش‌تری به فعالیت‌های درآمدزایی مانند زنبورداری و تشکیل صندوق‌های محلی برای تأمین معاش خانواده‌ی خود رو آورده‌اند.^{۱۳}

در این میان شماری از سازمان‌های غیر دولتی نیز در راه‌اندازی برنامه‌های معیشیت جایگزین درگیر شده‌اند و تجربه‌اندوزی کرده‌اند، از جمله

- ا. «انجمن بوم پژوهان» که با کمک به سه شرکت تعاونی در این راه معتقد است «وقتی مردم محلی ... به این نکته پی می‌برند که در کنار حفاظت از محیط زیست می‌توانند از آن کسب درآمد کنند و معیشیتی جایگزین را برای خود تعریف کنند بسیار علاقه مندتر می‌شوند و به مراتب بهتر از قبل پی‌گیری می‌کردند».^{۱۴}
- ب. «انجمن طرح سرزمین» که در صدد برآمد با ایجاد درآمد جایگزین و پایدار برای مردم محلی با تکیه بر صنایع دستی و کوشش در احیای پاره‌ی از آن‌ها همراه با تقویت «صنعت اکوتوریسم سازگار با طرح‌های حفاظتی سازمان محیط زیست» تنوع زیستی را دوام ببخشد.^{۱۵}

¹¹ <http://cbc.ir/fa/news/meeting-with-gef-evaluation-team>

¹² <http://www.frw.org.ir/HamkarihayeBeynolmeleli/pageid/41/language/fa-IR/Default.aspx>

¹³ <http://www.frw.org.ir/files/nikdokht/asnari.pdf>

¹⁴ <http://boompajuhan.blogfa.com/page/facilitators.aspx>

¹⁵ http://www.plan4land.com/farsi/projects/ecotourism_developing_a_pilot_on_the_role_of_communities_on_the_border_of_touran_national_park/Default.aspx

ت. «مؤسسه‌ی توسعه پایدار و محیط زیست (سنستا)» که مشخصاً در یکی از طرح‌های خود تامین معیشت پایدار برای جوامع کوچ‌رو را با تداوم امر کوچ هدف گرفته است و امیدوار است بتواند با پشتیبانی و مشارکت موثر جوامع محلی، نهادهای مرتبط ملی و بین‌المللی الگوی نوینی از مدیریت منابع طبیعی را متناسب با ساختارهای عرفی-اجتماعی جوامع محلی و مسایل بوم‌شناختی و معیشتی دست یابد.^{۱۶}

در اجرای این برنامه‌ها، سازمان‌های غیر دولتی گاه از پشتیبانی «صندوق اعتبارات خرد تسهیلات جهانی محیط زیست (SGP)» نیز برخوردار بوده‌اند و گاه این صندوق در راستای هدف‌های حفاظت از تنوع زیستی خود از تشکل‌های روستایی یا استانی به طور مستقیم حمایت کرده است، برای نمونه حفاظت از گونه‌های گیاهی و جانوری روستای لازور در دماوند به مدد جلب مشارکت اجتماعی و ایجاد معیشت جایگزین^{۱۷} یا ایجاد صندوقی در منطقه‌ی کنار در استان فارس که با راه-اندازی معیشت جایگزین بتواند از شکار غیرقانونی جلوگیری کرد.^{۱۸}

در بخش پیشین اشاره شد که میان برنامه‌ریزی بر مبنای ایجاد معیشت‌های جایگزین و تنوع بخشی به منابع درآمد کشاورزان تفاوت‌هایی وجود دارد اما گاه در عمل این تمایز (به جهت نتیجه‌ی بی‌ممکن است به دست آید) چندان بارز نمی‌نماید. تنوع بخشی به منابع درآمدزای روستایی آن گاه که با سیاست‌های فقرزدایی، کشاورزی پایدار و توان‌مندسازی زنان در می‌آمیزد عملاً زمینه‌ی تحقق چندین هدف را فراهم می‌آورد. از این بابت، جایگاه برخی نهادها، از جمله دفتر امور زنان روستایی و عشایری جهاد کشاورزی قابل توجه است. درست است که شماری از طرح‌ها و برنامه‌های این دفتر در وهله‌ی نخست با هدف بهبود وضعیت اقتصادی و کیفیت زندگی روستاییان و عشایر و کاهش فقر از راه ایجاد مشاغل درآمدزا برای زنان روستایی به اجرا درآمده است، اما کوشیده است یک رشته از فعالیت‌های خود را متوجه ترویج و آموزش مسائلی کند که بالمآل به موضوع پایداری زیست‌محیطی یاری می‌رساند.^{۱۹} به علاوه، در این راستا، وزارت جهاد کشاورزی نیز خود را موظف می‌داند که میزان دسترسی زنان روستایی و عشایری را به اطلاعات و داده‌های مورد نیاز برای «توسعه‌ی پایدار روستایی و کشاورزی» افزایش دهد.^{۲۰} چه بسا بتوان گفت که «طرح توانمندسازی زنان روستایی در مدیریت پسماند» نیز در ادامه‌ی همین فرآیند باشد.^{۲۱}

با مرور این تجربه‌ها، نتیجه‌هایی که می‌توان گرفت عبارت‌اند از:

- تازه بودن نسبی این رویکردها: این نکته بدان معناست که دست‌کم در عرصه حفاظت از منابع طبیعی از به-کارگیری رویکردهای معیشتی، اعم از نوع «پایدار» یا «جایگزین» چندان زمانی نمی‌گذرد؛
- اتکای نهادهای مجری طرح‌ها در این خصوص به تجربه‌های بین‌المللی: به سخن دیگر، ورود این مفهوم، چه بسا مانند پاره‌ی مفاهیم دیگر، بیش‌تر از از رهگذر طرح‌های اجرایی نام‌برده به ایران است تا حاصل پژوهش‌های دانشگاهی. با این همه، به مرور در دو دهه‌ی گذشته، شمار هر چه بیش‌تری از مراکز دانشگاهی و پژوهشی به موضوع چارچوب‌های معیشتی پرداخته‌اند و خواه در قالب درس‌های که ارائه می‌شود خواه پایان‌نامه‌ها یا پژوهش‌های میدانی، زمینه را برای سازگار کردن این مفهوم با شرایط این دیار فراهم آورده‌اند؛
- کمبود پژوهش‌های اثرسنجانه^{۲۲}: از چندین طرح و برنامه‌ی عمده‌ی که یک بخش از هدف‌های خود را جایگزینی فعالیت‌های اقتصادی روستاییان با معیشت‌هایی ناسازگار با پایداری منابع طبیعی اعلام کرده‌اند،

¹⁶ http://www.cenesta.net/index.php?option=com_content&view=article&id=84&Itemid=67

¹⁷ http://sgp.undp.org/web/projects/5301/conservation_of_the_endangered_medicinal_and_rangeland_species_in_lazoor_village_through_community_p.html

¹⁸ http://sgp.undp.org/web/projects/17323/bustard_houbareh_in_darab_fars_in_collaboration_with_local_community_organizations.html

¹⁹ <http://wazanan.blogfa.com/post-1.aspx>

²⁰ <http://amozeshcompost.blogfa.com/Profile/>

²¹ <http://www.iana.ir/archive/item/1538-1.html>

²² impact assessment survey

بسیاری هنوز به پایان نرسیده‌اند. از این رو، اثرسنجی آن‌ها یا میسر نیست یا نتیجه‌های به دست آمده را نمی‌توان با اطمینان تسری داد.^{۲۳}

الگوی «معیشت جایگزین» در «طرح حفاظت از تالاب‌های ایران»

«طرح حفاظت از تالاب‌های ایران» با پشتیبانی برنامه عمران ملل متحد (UNDP) و تسهیلات محیط زیست جهانی (GEF) و با همکاری سازمان حفاظت محیط زیست ایران در سال ۱۳۸۳ آغاز به کار کرد. این طرح بر آن بوده است تا با تمرکز بر حوضه آبخیز دریاچه‌های ارومیه، پریشان و شادگان الگوی مناسبی از مدیریت یک پارچه بر پایه‌ی زیست‌بوم به دست دهد. پابندی به اصول زیست‌بومی و چارچوب مدیریت یک پارچه مستلزم آن است که ضمن حفاظت از تنوع زیستی، توسعه‌ی انسانی محور فعالیت طرح قرار گیرد تا بتوان با جلب مشارکت تمام دست‌اندرکاران، میان گروه‌های دارای منفعت در پیرامون تالاب‌ها تناسب و تعادل برقرار کرد. آن چه در این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد، کم‌وکیف کوشش‌هایی است که در راستای ایجاد «معیشت جایگزین»- به مثابه‌ی یکی از راه‌کارهای موثر برای حفاظت از منابع تالابی- صورت گرفته است. برای روشن شدن جزئیات کار این کوشش‌ها را به دو بخش تقسیم می‌کنیم. یک بخش، در برگزیده‌ی فرآیندی است که برای تدوین راهبرد طبیعت‌گردی در پیرامون دریاچه‌ی پریشان طی شد. دیگری به فرآیندی نظر دارد که در صدد است الگوهای معیشت جایگزینی به جز طبیعت‌گردی را بررسی کند.

طبیعت‌گردی مردم‌مدار^{۲۴} در تالاب پریشان

«طرح حفاظت از تالاب‌های ایران» کوشید در سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ با همکاری اداره کل حفاظت محیط زیست فارس و مشاوران ملی و بین‌المللی خود نشست‌های گوناگونی با هدف تدوین برنامه‌ی مدیریت یک پارچه‌ی تالاب پریشان برگزار کند. در پایان این نشست‌ها، با شرکت نمایندگان نهادهای مربوط دولتی و غیر دولتی و نیز شماری از روستاییان طی فرآیندی برنامه‌ی مدیریت جامع دریاچه‌ی پریشان به تصویب رسید. به علاوه، طرح پهنه‌بندی تالاب پریشان نیز تهیه شد که در برگزیده‌ی کاربری‌های مجاز و ضوابط اجرایی آن‌هاست. به هنگام تدوین برنامه‌ی مدیریت، بر طبیعت‌گردی به مثابه‌ی یکی از کاربری‌های پایدار همواره تاکید می‌شد. مراد از این کاربری نوعی از گردش‌گری است که در آن بی‌آن که به محیط زیست لطمه‌ی وارد شود، روستاییان و گردش‌گران، هریک به نوبه‌ی خود به شکلی، سود می‌برند. پیش‌بینی می‌شد که به سبب چشم‌انداز زیبای تالاب پریشان و تنوع زیستی چشم‌گیر آن، راه‌اندازی طبیعت‌گردی متضمن مزایای اقتصادی بالقوه برای جامعه محلی باشد. از این رو، نخستین گام آن بود که ضمن برگزاری کارگاهی مشورتی در سال ۱۳۸۸، با استفاده از تجربیات بین‌المللی، قوانین مربوط به ایجاد و توسعه‌ی طبیعت‌گردی در منطقه‌های حفاظت شده ارائه گردد. هم‌چنین با مشارکت همگانی فرصت‌های بالقوه‌ی طبیعت‌گردی در پیرامون تالاب پریشان شناسایی و تحلیل شود. یکی دیگر از هدف‌های این کارگاه آشنا ساختن شرکت‌کنندگان با مفهوم و اصول طبیعت‌گردی مردم‌محور و نمونه‌های موفق آن از جمله در مناطق جنگلی تالامانکا در کاستاریکا و در تالاب مانیاس در ترکیه بود.

در همان نشست، اصول زیر مورد بحث و گفت‌وگو قرار گرفت و بر رعایت آن‌ها تاکید شد:

- به حداقل رساندن اثرات منفی بر طبیعت و فرهنگ؛
- تلاش برای به حداکثر رساندن منافع اقتصادی برای جوامع روستایی و صاحبان حرفه‌های محلی؛

^{۲۳} البته این سخن بدان معنا نیست که پژوهش‌هایی برای بررسی اثرسنجی برنامه‌های معیشتی، مانند طرح‌های اشتغال‌زایی، صورت نمی‌گیرد. به خلاف، اتفاقاً اثرسنجی‌هایی از قبیل «بررسی اثربخشی و کارایی طرح آموزشی و ترویجی توسعه اشتغال خانگی زنان روستایی» (<http://www.tarvij.com/persian/page-view.asp?pagetype=research&id=8>) یا ارزیابی صندوق‌های اعتبارات خرد و صندوق‌های حمایت از توسعه‌ی فعالیت‌های زنان روستایی» (<http://www.women.gov.ir/pages/?cid=10590>) این جا و آن جا انجام می‌گردد. نکته‌ی اصلی آن است که هم‌چنان به بررسی‌هایی نیاز است که اثرگذاری طرح‌های معیشت جایگزین را بر حفظ تنوع زیستی یا حفاظت از منابع طبیعی مورد نظر روشن سازد.

^{۲۴} community-based ecotourism، گفتنی است که کسانی میان طبیعت‌گردی و «اکوتوریسم» تفاوتی قائل اند که با توجه به تعریفی که به دست داده‌اند گویی بر همین طبیعت‌گردی مردم‌مدار تاکید ورزیده‌اند:

<http://www.tabiatpaydar.com/training/ecotourism-definition/>

- کسب اطمینان از این امر که جوامع محلی در تصمیم‌گیری‌ها دخالت داده می‌شوند و زمینه برای بهره‌گیری از ابتکار عمل‌ها آن‌ها فراهم می‌آید؛
- آموزش گردش‌گران و نیز دیگران نسبت به اهمیت منطقه؛
- انجام مطالعات پایه محیط زیستی و اجتماعی و پایش به منظور ارزیابی اثرات؛
- هدایت اعتبارهای مالی به سوی مدیریت مناطق حفاظت شده؛
- حصول اطمینان از این که صاحبان مشاغل، برای برآورده کردن نیازهای جامعه‌های محلی و توزیع منافع حاصل از منطقه‌های حفاظت شده در شراکت با مقامات و مردم محلی وارد کار شوند؛
- ترغیب توسعه‌ی زیرساخت‌ها در هماهنگی با محیط زیست؛
- حصول اطمینان از اینکه توسعه طبیعت‌گردی از محدوده‌ی تغییرات قابل قبول زیست محیطی و اجتماعی تجاوز نمی‌کند.

یکی از مصوبه‌های کارگاه مشورتی طبیعت‌گردی تشکیل گروهی تخصصی از میان اعضای کمیته‌ی مدیریت محلی تالاب پریشان بود تا پس از بررسی زمینه‌های توسعه‌ی طبیعت‌گردی سند راهبردی آن فرآیند را تدوین کند. راهنمای عمل این گروه برگرفته از «رویکرد مدیریت زیست‌بومی» بود، به این معنا که

- مردم جزء اصلی زیست بوم‌ها هستند؛
- جوامع محلی دارای بیش‌ترین انگیزه برای مدیریت پایدار زیست بوم خود هستند. تداوم زندگی هیچ کس بیش از آن‌ها در معرض تهدیدهای زیست‌محیطی نیست؛
- جوامع محلی به سبب نزدیکی با آن زیست بوم دارای دانش و معلوماتی ویژه اند که با ترکیب با دانش علمی روز می‌تواند به مدیریت متوازن و پایدار زیست بوم بینجامد.
- موفقیت در پایداری منابع و حفظ تنوع زیستی را در گرو اعمال شیوه مدیریت جامع و همکاری همه‌ی دست‌اندرکاران می‌داند.

پس از گذشت چند ماه، گروهی به عنوان «زیرکمیته‌ی طبیعت‌گردی» به ریاست سازمان میراث فرهنگی و گردش‌گری کازرون و با شرکت نمایندگان اداره‌ی منابع طبیعی و آبخیزداری کازرون، اداره محیط زیست کازرون، «موسسه ۱۳ فروردین»، «تشکل طبیعت و سلامت»، دوره دیدگان راهنمای گردش‌گری و کارشناسان «طرح حفاظت از تالاب‌های ایران» شکل گرفت که طی چندین نشست، به مدد ابزاری مشارکتی، سرانجام سندی را تنظیم کردند که در برگیرنده‌ی بخش‌های گوناگونی بود از جمله مفهوم طبیعت‌گردی، ویژگی‌های تالاب پریشان، چشم انداز و راهبردهای توسعه طبیعت‌گردی در پیرامون تالاب، برنامه‌ی اقدام و مسئولیت‌های اجرایی. در بخش دیگری از آن سند به معیارهای سنجش طرح‌های طبیعت‌گردی، نقش دست‌اندرکاران و نیز مسئولیت ایشان اشاره شده است. جدول (۱) چارچوب و محتوای سیاست و خط مشی توسعه طبیعت‌گردی تالاب پریشان را به طور اجمالی نشان می‌دهد.

جدول ۱- چارچوب و محتوای سیاست و خط مشی توسعه طبیعت‌گردی تالاب پریشان

چشم انداز ۲۵ ساله برای طبیعت‌گردی تالاب پریشان			
ارتقای منابع معیشت روستاییان و پشتیبانی از بهره‌برداری خردمندان از تالاب پریشان			
هدف اصلی			
ایجاد زمینه‌های نوینی در گردش‌گری مرسوم که ضمن در نظر داشتن ملاحظات اجتماعی و زیست‌بومی بر وضعیت اقتصادی روستاییان پیرامون تالاب پریشان تاثیر مثبتی بگذارد.			
اهداف راهبردی			
یک	دو	سه	چهار
فراهم آوردن امکانات درآمدزایی برای روستاییان پیرامون تالاب پریشان، بی‌آن که پایداری زیست‌بومی به مخاطره بیفتد	آشنا ساختن روستاییان به اهمیت حفاظت از منابع طبیعی و فرهنگی و درگیر کردن آنان در حفاظت از این منابع	حساس‌سازی دست-اندرکاران نسبت به امتیازهای حاصل از گسترش طبیعت‌گردی در منطقه‌ی پریشان	جلب توجه همگانی به مفهوم‌های طبیعت‌گردی، تنوع زیستی و مناطق حفاظت شده و ارتباط آن‌ها با یک‌دیگر
اقدام‌های اولویت‌دار	اقدام‌های اولویت‌دار	اقدام‌های اولویت‌دار	اقدام‌های اولویت‌دار
۱.	۱.	۱.	۱.
۲.	۲.	۲.	۲.
۳.	۳.	۳.	۳.

آشکار است که یکی از مهم‌ترین بخش‌های هر سند راهبردی پیش‌بینی ایجاد سازوکارهایی متناسب با هدف‌های اصلی است. از این رو، برای پیشبرد هدف‌های گسترش طبیعت‌گردی بنا شد که زیر کمیته‌ی طبیعت‌گردی هم‌چنان به نشست‌های خود ادامه دهد. این زیر کمیته خود را ملزم دانست که امور زیر را پیش ببرد:

أ) ارائه‌ی سند راهبردی به کمیته‌ی مدیریت محلی مدیریت تالاب پریشان، توضیح بندهای آن و کوشش در جهت یافتن راهکارهایی برای تحقق هدف‌های تصویب شده؛

ب) ارزیابی طرح‌های طبیعت‌گردی پیشنهادی، راهنمایی طرح‌دهندگان برای سازگار کردن فعالیت‌های پیشنهادی با اصول و معیارهای تصویب شده در آن سند و ارائه‌ی نسخه‌ی نهایی طرح‌ها به کمیته‌ی محلی مدیریت تالاب پریشان؛

ت) پایش و ارزش‌یابی طرح‌های طبیعت‌گردی تصویب شده کسب اطمینان از این که آن طرح‌ها در راستای هدف-های دراز مدت «سند مدیریت جامع تالاب پریشان» قرار دارد؛

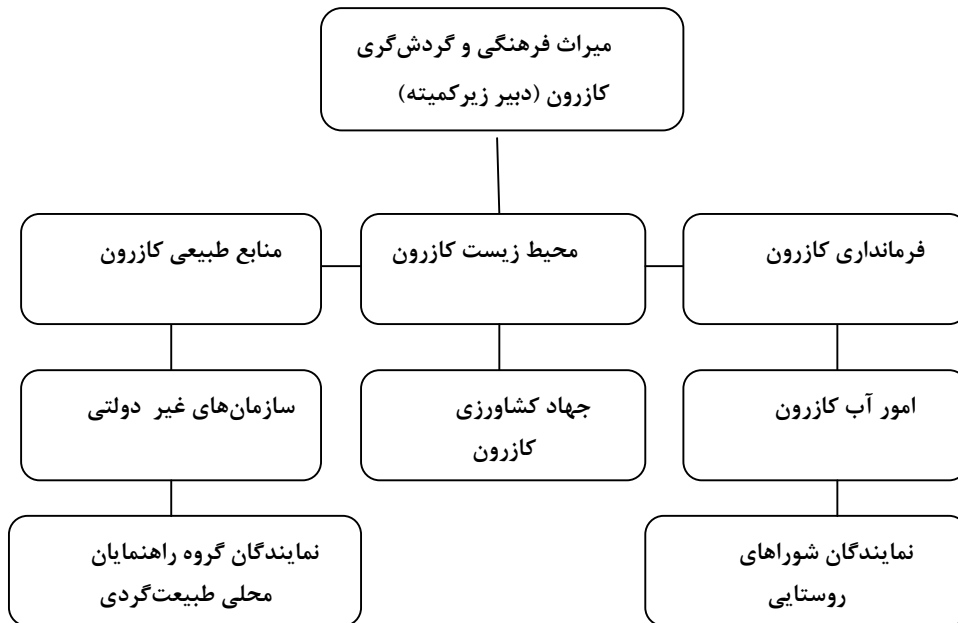
ث) برنامه‌ریزی سالانه برای گسترش طرح‌های طبیعت‌گردی، ارائه‌ی آن‌ها به کمیته‌ی محلی مدیریت تالاب پریشان و کوشش برای جذب اعتبارات لازم.

با وجود خشکی تالاب پریشان و کاسته شدن از شمار طبیعت‌گردها، اقدام‌های زیر نیز در جهت اجرای سیاست و خط مشی توسعه طبیعت‌گردی تالاب پریشان جامه‌ی عمل پوشید:

- احداث و تجهیز مرکز بازدیدکنندگان تالاب پریشان؛
- آموزش و شکل‌گیری گروه راهنمایان محلی طبیعت‌گردی تالاب پریشان؛
- سامان‌دهی و مدیریت تفرج‌گاه تالاب پریشان از سوی گروه راهنمایان محلی طبیعت‌گردی.

شکل زیر ساختار این زیر کمیته را مشخص می کند.

شکل ۲- ساختار سازمانی زیر کمیته طبیعت گردی تالاب پریشان



در این تجربه، هنوز نمی توان با قطعیت از تاثیر برنامه های طبیعت گردی بر معیشت اهالی یا بر تقویت تنوع زیستی سخن راند زیرا جدا از موقعیت کنونی تالاب پریشان در جذب طبیعت گردها الگوی مدیریت تلفیقی چندان نوپاست که می بایست مدتی بگذرد تا این سازوکار به ثمر بنشیند. «طرح حفاظت از تالاب های ایران» تا زمانی که هنوز به پایان نرسیده است، برای تثبیت فعالیت هایی که در سند راهبردی طبیعت گردی تالاب پریشان آمده است هم چنان به وظیفه ی تسهیل گری خود ادامه خواهد داد.

در تجربه ی دیگری، «طرح حفاظت از تالاب های ایران» خود را موظف دانست بنا بر برنامه ی کاری خود برای سال ۲۰۱۲ میلادی زمینه ی معرفی الگوهای معیشت جایگزین را در چند روستای پیرامون یکی از تالابها اقماری دریاچه ی اورمیه (قره- قشلاق) و نیز تالاب شادگان در خوزستان بسنجد تا در صورت فراهم بودن همه ی شرایط از میان الگوهای پیشنهادی مناسب ترین شان را برگزیند و بکوشد برای اجرای آن پشتیبانی های لازم را گرد آورد. آشکار است که ارائه ی هر نوع الگوی معیشتی مناسب و پایدار مستلزم پژوهش و بررسی دقیق است، اما زمان به سود انجام دادن پژوهش های پدافندی و همه جانبه نیست. از این رو، روش کار میدانی بر پایه ی «فرآیند ارزیابی سریع (RAP)»^{۲۵} که تلفیقی است از «ارزیابی سریع روستایی (RRA)» و پاره یی از روش های کیفی «ارزیابی مشارکتی روستایی (PRA)» قرار گرفته است. امتیاز این روش در آن است که هم در مدت زمان محدودی انجام شدنی است و هم اهالی روستا را در فرآیند گردآوری و تحلیل داده ها درگیر خواهد ساخت. از این رو امید می رود تا روستاییان خود زمینه های واقعی «معیشت جایگزین» را مورد ارزیابی قرار دهند و با مشورت با افراد معتمدشان به یکی دو الگوی «اشتغال غیر کشاورزی» اقبال نشان دهند. در این فرآیند «انجمن دامون» در قره قشلاق و «انجمن زنان مبارزه با آلودگی های محیط زیست-شاخه ی خوزستان» در شادگان یاور «طرح حفاظت از تالاب های ایران» هستند تا در هر منطقه با تمرکز بر دو روستا پاسخ های مناسبی برای پرسش های اساسی زیر بیابند. البته لازم به یادآوری است که پیش از این وضعیت اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی هر دو منطقه ارزیابی شده است و بررسی جاری صرفا بر مواردی از جمله پرسش های زیر متمرکز است:

– فعالیت های کشاورزی و دامداری مبتنی بر بیشترین بهره گیری از منابع آبی؛

²⁵ rapid assessment process (<http://www.rapidassessment.net/>)

- فعالیت‌های کشاورزی و دامداری مبتنی بر کم‌ترین بهره‌گیری از منابع آبی؛
 - تنوع منابع درآمد روستاییان؛
 - زمینه‌ی بالقوه‌ی خود اشتغالی، مشاغل خانگی، کارآفرینی و مانند آن در عرصه‌ی جدا از کشاورزی و نیز جدا از طبیعت‌گردی برای روستاییان به طور کلی، برای زنان روستایی، به طور ویژه؛
 - زیرساخت‌ها و خدمات حمایتی موجود؛
 - زیرساخت‌ها و خدمات حمایتی مورد نیاز برای راه‌اندازی اشتغال‌های جدید؛
 - موانع دستیابی روستاییان و نیز سرمایه‌گذاران خرد پیرامون تالاب‌ها به خدمات یا زیرساخت‌ها یاد شده؛
- پس از گردآوری و تحلیل این داده‌هاست که می‌خواهیم نتیجه‌ی به دست آمده را با از یک سو با خود روستاییان و از سوی دیگر با متولیان و دست‌اندرکاران مدیریت تالاب‌ها در میان بگذاریم تا ببینیم کدام معیشت جایگزین امکان‌پذیر است. نخستین یافته‌ها، در زمان نگارش مقاله‌ی حاضر، گواه آن است که بسیاری از ساکنان روستاهای مورد نظر، با توجه به شرایط، بیش از آن که بخواهند خود پس‌اندازهای اندک‌شان را برای آزمودن کسب‌وکارهای محتمل به خطر بیندازند یا در صدد وام گرفتن باشند، خواهان آن اند که کسب‌وکاری در خود روستا یا نزدیک روستا راه بیفتد و احیاناً آن‌ها را به کار بگیرد. کسانی هم که از وام‌ها و تسهیلات روستایی برای راه‌اندازی کسب‌وکار باخبر بودند، بر آن بودند که شرایط وام گرفتن چندان برایشان دشوار است که اساساً فکر این کار را از سر به در می‌کنند. برای معدودی هم که دست زدن به کسب‌وکاری جدید، خواه انفرادی خواه جمعی، گزینه‌ی عملی می‌نمود طی کردن فرآیند مرسوم، از تشکیل گروه یا تعاونی یا قبولاندن نقشه‌ی کار انفرادی خود به نهادهایی که مسئولیت در اختیار گذاشتن وام‌های جاری با آن‌هاست، چندان روشن و دل‌گرم‌کننده نبود. نکته‌ی اصلی در این گفت‌وگوها و بررسی‌ها آن است که تغییر الگوی معیشتی، به ویژه زمانی که مستلزم همراهی و مشارکت مردمی باشد، نیازمند صرف وقت بسیار برای ترویج روش‌هایی است که گام به گام جامعه‌ی روستایی را از نزدیک با امتیازهای حاصل از معیشت جایگزینی که با موقعیت آن منطقه سازگار است، آشنا سازد و از راه‌های گوناگون توان روستاییان را در آزمودن مشاغل جدید افزایش دهد.

Alternative Livelihoods: Wise Use of Wetlands

1. **Nastaran Moossavi**

nastaran@cenesta.org

2. **Ali Arvahi**

ali_arvahi@yahoo.com

Abstract

Wise use of natural resources requires the villagers living roundabout wetlands to take up other means of subsistence rather than farming. Often, under emergency conditions, such as drought, overexploitation of nature becomes inevitable since villagers cannot rely on their crops exclusively, upon which the ecosystem is damaged. Introducing appropriate alternative livelihoods will decrease the stress on wetlands. The current article, based on experiences of the Conservation of Iranian Wetland Project, explains the background of livelihood frameworks in Iran and also discusses the achievements and challenges of applying such an approach in the Iranian context.

Keywords: alternative livelihood, ecosystem management, rural women, Urmieh Lake, Shadegan Wetland, Parishan Wetland